

دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشنامه ادیان، سال ۱۶، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱، صص ۷۹-۵۰ (مقاله پژوهشی).

بررسی تطبیقی آداب تدفین و بنای بر قبور مردگان در ادیان ابراهیمی

الهه شاهپسند^۱ ولی عبدی^۲ فاطمه حسین‌زاده جعفری^۳

چکیده

طبق برخی احادیث منسوب به پیامبر(ص)، نهی از بنای بر قبور، با عملکرد یهودیان و مسیحیان ارتباط یافته است. بررسی تطبیقی صورت کلی‌تر این مسئله یعنی نحوه تعامل پیروان هر دین با جسد و قبر مردگان هم‌کیش خود و نیز ساخت هرگونه سازه بر مقابر آنان در ادیان ابراهیمی، می‌تواند به تبیین بهتری از این اخبار بیانجامد. در نتیجه این بررسی می‌توان گفت در عین شباهت زیاد این ادیان در این مسئله، تفاوت‌هایی نیز وجود دارد؛ در یهودیت و مسیحیت، بین ظهور دین و روی آوردن پیروان آن به زیارتگاه ساختن از مقبره‌ها رجالی دینی فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ یهودیان زمانی بدان روی آوردند که از اقامتگاه اصلی خود کوچ کرده و با دیگر فرهنگ‌ها ارتباط یافتند. در مسیحیت نیز انگیزه‌های متعددی وجود داشته که به نظر می‌رسد کوشش تدریجی برای کاستن از اهمیت معبد اورشلیم از مهمترین آنها بوده است. اما در دین اسلام، شواهد زیارت قبور و بنای سازه‌های عبادی در اطراف آنها به دوران پیامبر(ص) باز می‌گردد. حتی طبق اخبار، فرمان نهی از زیارت قبور که به پیامبر(ص) منسوب است، از سوی خود ایشان لغو شده است. گویی دلیل نهی پیشین، چیزی جز مبارزه با زمینه فکری موجود در رفتارهای پیشاسلامی از جمله برخی جلوه‌های فرهنگی یهودیت، مسیحیت و جاهلیت نبوده است.

کلیدواژه‌ها

تدفین مردگان، مقبره، زیارت قبور، فرهنگ و تاریخ یهودیت و مسیحیت.

shahpasand@quran.ac.ir
v_abdi@ferdowsi.um.ac.ir
hosseinzad.fa@quran.ac.ir

۱. دانشیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول).
۲. استادیار گروه ادیان و عرفان دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد.
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

۵۰
پژوهشنامه ادیان

سال شانزدهم، شماره سی و دو، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

مقدمه

اخباری منقول از پیامبر(ص) وجود دارد که در مقام نهی از بنای مسجد بر قبور به طور کلی، یا به طور خاص بر قبور انبیاء(ع)، سابقه آن را به ادیان گذشته می‌رساند؛ یکی از تحریرهای این اخبار که از عایشه نقل شده چنین است: «لَمَّا كَانَ مَرَضُ النَّبِيِّ (ص) تَذَاكَرَ بَعْضُ نِسَائِهِ كَيْسَةَ بِأَرْضِ الْحَبَشَةِ يُقَالُ لَهَا مَارِيَةُ، وَقَدْ كَانَتْ أُمُّ سَلَمَةَ وَأُمُّ حَبِيبَةَ قَدْ أَتَتَا أَرْضَ الْحَبَشَةِ فَذَكَرْنَ مِنْ حُسْنِهَا وَتَصَاوِيرِهَا، قَالَتْ: فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): "أَوْلَيْكَ إِذَا كَانَ فِيهِمُ الرَّجُلُ الصَّالِحُ بَنُوا عَلَى قَبْرِهِ مَسْجِدًا، ثُمَّ صَوَّرُوا تِلْكَ الصُّورَ، أَوْلَيْكَ شِرَازُ الْخَلْقِ عِنْدَ اللَّهِ"»^۱ «به هنگام بیماری پیامبر(ص)، بعضی از همسران ایشان(ص) از کنیسه‌ای در حبشه به نام ماریه یاد کرده - ام‌حبیبه و ام‌سلمه پیش از آن به حبشه رفته بودند - و از زیبایی و تصاویر آن گفتند، پس پیامبر(ص) فرمود: "آنها بر قبر افراد صالح مسجدی بنا کرده و آن تصاویر را در آن رسم می‌کنند، آنها بدترین مردم نزد خدا هستند"».

نقل پیش گفته یکی از متقدم‌ترین تحریرهای این خبر و مشتمل بر فضای صدور است که از بنای مسجد بر قبور به عنوان یک ویژگی قومی یاد کرده است. در تحریرهای متأخرتر، صورتبندی خبر تغییر کرده و گفته منسوب به پیامبر(ص) با لعن یهود و نصاری آغاز و مسأله بنای مسجد بر قبور به عنوان دلیل لعن مطرح شده است: «لَعَنَ اللَّهُ الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى، اتَّخَذُوا قُبُورَ أَنْبِيَائِهِمْ مَسْجِدًا»^۲ «خداوند یهود و نصاری را از رحمت خود دور کند، آنها قبرهای پیامبران خود را مسجد قرار دادند».

نتیجه تلاش مسلمانان برای شرح این گونه اخبار به واسطه تبیین عملکرد اهل کتاب، چنین بوده است: «آنها از قبور انبیای خود به عنوان مسجد استفاده و آن را عبادت می‌کرده‌اند»^۳. یا گفته‌اند: «آنها قبور انبیای خود را برای تعظیم سجده می‌کردند، یا آن را قبله خود گرفته و به سمتش نماز می‌خواندند، و یا حتی آنها را بت خود قرار می‌دادند».

۱. ابوعوانه، المستخرج، تحقیق، ایمن بن عارف، بیروت، دارالمعرفة، ۱۹۸۹ق، ج ۱، ص ۳۳۴.

۲. بخاری، الصحيح، بیروت، دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۸۸.

۳. عینی، بدرالدین، عمدة القاری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۴۸ق، ج ۸، ص ۱۳۵.

به همین جهت، مسلمانان از این نوع عمل بازداشته شده‌اند.^۱

اخبار پیش گفته به طور خاص بنای مسجد و عبادتگاه بر قبور انبیاء را مطرح کرده‌اند. اما این مقاله تلاش می‌کند صورت کلی‌تر این مسأله را بررسی کند. بدین منظور، پاسخ این پرسش‌ها را می‌جوید: نحوه تعامل پیروان ادیان ابراهیمی با جسد و قبر مردگان هم‌کیشان چگونه است؟ ساخت هرگونه بنای آرامگاهی که به منظور تکریم انبیاء و صالحان از دست‌رفته در محل قبر آنها بنا می‌شده و گاه کارکرد عبادی می‌یافته، در ادیان گذشته چه سابقه‌ای داشته و چه اندازه تقدیس را به خود اختصاص داده‌است؟ عرب جاهلیت و مسلمانان نخستین چه ذهنیتی از این بناها داشته‌اند که این خیر در مقام نهی از ساخت مسجد بر قبور از آن بهره گرفته است؟

«بناء» مصدر ریشه بنی، به معنای ساختن چیزی با کنار هم نهادن اجزای آن است.^۲ «قبر» نیز مدفن انسان و جایی است که میت را در آن می‌گذارند. «مقبرة» و «مقبر» نیز به موضع قبر گفته می‌شود.^۳ «أقبرته» یعنی برای او قبری ایجاد کردم که در آن دفن شود؛ لذا «ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ» (عبس، ۲۱) یعنی انسان را از کسانی قرار داد که در قبر دفن می‌شوند؛ گویی قبر از چیزهایی است که بنی آدم با آن گرامی داشته شده‌اند.^۴

پیش از پرداختن به بررسی تطبیقی بنای بر قبور، به آیه‌ای مرتبط با ابراهیم (ع) اشاره می‌شود: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلِّينَ» (بقره، ۱۲۵) «و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [و فرمودیم:] «در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید»». طبری بعد از ذکر چند قول درباره

۱. قسطلانی، ارشاد الساری، مصر، مطبعة الاميرية، ۱۳۳۳ق، ج ۲، ص ۴۳۷؛ ابن حجر

تحقیق، محمود عبدالمقصود، مدینه، مكتبة الغربی الاثریة، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۴۵.

۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۳۰۲.

۳. ازهری، تهذیب اللغة، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق، ج ۹، ص ۱۱۹؛ ابن فارس، ج ۵، ص ۴۷.

۴. جوهری، الصحاح، تحقیق، احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۷۸۴.

مصدق «مقام ابراهیم»، در آخرین مورد می‌گوید: منظور همان مقامی است که اکنون در مسجدالحرام قرار دارد... همان سنگی که اثر پای ابراهیم (ع) روی آن برجای ماند. نزد ما این صحیح‌ترین قول است.^۱ بر این اساس، منظور از «البيت» نیز کعبه خواهد بود.^۲ شیخ طوسی نیز همین دیدگاه را قوی‌تر و مطابق با ظاهر اخبار شیعه شمرده است.^۳ در نتیجه، طبق قول مشهور و پذیرفته در سنت اسلامی، این آیه به نمازگاه (یا به معنای عام‌تر عبادت‌گاه) ساختن مقام ابراهیم در مسجدالحرام امر کرده است. این نشان‌دهنده لزوم احترام به این مقام و تشویق به نماز گزاردن در آن است. در عین حال، برخی نویسندگان غربی این آیه را با آنچه طبق تورات ابراهیم (ع) در حبرون یا کوه موریاساخت، مرتبط می‌دانند؛ طبق سنت مسیحی شامی، ابراهیم (ع) پس از مأمور شدن به قربانی فرزندش، در محل بیت المقدس خانه‌ای برای خدا بنا کرد.^۴

پیشینه

تنها اثری که می‌توان به عنوان پیشینه مرتبط با این مقاله مورد اشاره قرارداد، مقاله «تاریخ‌گذاری اخبار نهی از بنای مسجد بر قبور» اثر شاه‌پسند و حسین‌زاده جعفری است؛ مقاله اخیر به تاریخ‌گذاری اخباری می‌پردازد که در مقام نهی از بنای مسجد بر قبور، آن را به ادیان گذشته ارتباط می‌دهند. بدین منظور، با بررسی تحریرهای مختلف اخبار به این نتیجه رسیده است: صورت اصلی خبر که در مقام نهی از اتخاذ مسجد بر قبور به عنوان یک ویژگی «قومی» و مذمت این «فعل» است، در نیمه نخست قرن اول رواج

۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق، ج، صص ۴۲۲-۴۲۳.

۲. ابن‌ابی‌حاتم، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق، اسعد محمد طیب، عربستان، مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق، ج، ص ۲۴.

۳. شیخ طوسی، معجم البحار، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق، ج، ص ۵۳.

۴. Reynolds, Gabriel Said, *The Qur'an and the Bible*, New Haven and London, Yale University, 2018, p.69.

داشته است. برخی از تحریرهایی که این فعل را یک ویژگی «دینی» جلوه داده و به لعن یهود و نصاری می‌پردازند نیز در همان زمان ایجاد شده‌اند، یعنی مقارن با تصمیم عمر برای اخراج یهودیان از جزیره العرب و یکسان‌سازی دین این منطقه، اما قطعی است که روند گسترش تحریرهای اخیر نسبت به صورت اصلی خبر در گذر زمان سیر صعودی داشته و حتی در تحریرهای متأخرتر به وضوح شاهد استفاده «سیاسی» از آن علیه یهود و نصاری هستیم.^۱

۱. یهودیت

آداب و رسوم خاک‌سپاری مردگان، بخش مهمی از دین یهود را تشکیل می‌دهد؛ دفن جسد از واجبات یهود است، آنان در اولین فرصت مردگان خود را می‌شویند، کفن می‌کنند و به خاک می‌سپارند. عبرانیان از همان دوران باستان، سوزاندن اجساد را عملی غیرانسانی می‌دانستند (عاموس، ۲: ۱)، البته چنین اعمالی را گاهی اوقات به منظور مجازات انجام می‌دادند. (یوشع، ۷: ۲۵) بنابراین، آنگونه که از شواهد کتاب مقدس برمی‌آید، آنان اجساد متوفی را در زیر خاک دفن کرده و معمولاً بر روی آن سنگی قرار می‌دادند (یوشع، ۷: ۲۶). گاهی اوقات جسد را درون حفره‌ای قرار می‌داند-مثل جسد آبشالوم- و روی آن را با سنگ‌هایی می‌پوشاندند (دوم سموئیل، ۱۸: ۱۷). حتی موسی پس از اینکه شخص مصری را کشت، جسد وی را در میان ریگ‌ها پنهان ساخت (خروج، ۲: ۱۲). در نتیجه، دفن اجساد در زیر خاک، تقریباً از همان دوران مشایخ در بین یهودیان مرسوم بوده است. هرچند یهودیان غربی معمولاً مردگان را در تابوت می‌گذارند، اما شرقی‌ها مانند مسلمانان مردگان را در خاک دفن می‌کنند. گورستان یهودیان معمولاً در خارج شهر است، زیرا اجساد مردگان منبع نجاست به‌شمار می‌آید. یهودیان در اعیاد به زیارت اهل قبور می‌روند و برایشان دعا می‌خوانند تا خداوند آنان را

۱. شاه‌پسند، الهه و فاطمه حسین‌زاده جعفری، «تاریخ‌گذاری اخبار نهی از بنای مسجد بر قبور»، مطالعات قرآن و حدیث، ش ۲۹، ۴۰۰، صص ۱۳۷-۱۶۷.

مورد شفاعت قرار دهد. دفن یهودی در گورستان‌های غیریهودی نامشروع بوده و تخریب گورستان‌های یهودی جایز نیست. قبرستان در اعتقادات یهودیان مکانی مقدّس است؛ از این رو، دفن در قبرستان یهودیان از بهترین شعائر آنهاست.^۱

از کتاب مقدس می‌توان شواهدی درباره وجود مقابر برای بزرگان یهود در دوره مشایخ به دست آورد. ابراهیم، اسحاق و یعقوب (ع) مشایخ یا به تعبیری پدران یهودیت به حساب می‌آیند. از نظر تاریخی، این دوره از حدود ۱۹۰۰ پ.م تا حادثه خروج، یعنی حدود ۱۲۰۰ پ.م را در برمی‌گیرد. اطلاعات ما درباره بازه زمانی مذکور عمدتاً مبتنی بر کتاب مقدس است و داده‌های تاریخی معتبری در این زمینه وجود ندارد. در دوره پدران، قوم یهود به تدریج از زندگی کوچ‌نشینی به یکجانشینی روی آوردند و شاید به تأثیر از فرهنگ‌های آن زمان به‌ویژه مصریان باستان، عنصر مهم دینی کفن و دفن در بین آنان رایج گشت.

طبق سفر پیدایش، ابراهیم (ع) پس از مهاجرت از حران به کنعان، همسر خود سارا را از دست داد. وی از کنعانیان قطعه زمینی در غار مکفيله درخواست کرد تا سارا را در آنجا دفن کند و به مرور زمان همانجا تبدیل به مقبره خانوادگی بزرگان یهود شد. (پیدایش، ۲۳: ۴) وقتی زمان وفات یعقوب فرا رسید، او از پسرش یوسف سوگند گرفت که وی را نه در مصر، بلکه در قبر اجدادی‌اش دفن کند (پیدایش، ۴۷: ۲۹-۳۱). همچنین بنی اسرائیل پس از خروج از مصر، استخوان‌های یوسف را با خودشان آورده و در سرزمین شکیم در قطعه زمینی که یعقوب خریداری کرده بود، دفن کردند (یوشع، ۲۴: ۳۲).

با این حال، خبری مبنی بر وجود مقبره برای موسی (ع) در دست نیست تا بتوان نوع تعامل یهودیان با آن را دریافت. طبق کتاب مقدس موسی (ع) در سرزمین موآب درگذشت و خداوند او را در درّه‌ای نزدیک بیت‌فغور در سرزمین موآب دفن نمود،

۱. Jacobs, Joseph & Samuel Krauss, "Tombs", *Jewish Encyclopedia*, Ed. Isidore Singer, New York: Funk&Wagnalls, 1906, Vol. 12, pp.183-185.

طاهری‌آکردی، یهودیت، قم: ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰ش، ص ۲۰۲.

ولی مکان دفن او تا به امروز دانسته نیست (تثنيه، ۳۴: ۵-۶). به نظر دانشمندان یهود، خدا جسم او را مدفون کرد تا کسی نتواند قبرش را به زیارتگاه تبدیل کند و همچون بُت او را بپرستد. چنانکه مصریان مردگان خود را می پرستیدند.^۱

به نظر می رسد از دوره پدران (۱۹۰۰-۱۲۰۰ پ.م) تا دوره پادشاهان (حدود ۱۰۲۰ پ.م) بین یهودیان رسم بر این بود که بر روی جسد خود را در معابر حیوانی دفن نمودند. نحوه که از کتاب مقدس برمی آید، در دوره پادشاهان، شاهان یهودی را در قبرهای مخصوص پادشاهان دفن می کردند. برای نمونه، عُزریا، یکی از پادشاهان یهود را در آرامگاه پادشاهان دفن کردند. (دوم تواریخ، ۲۶: ۲۳) استخوان های شائول نخستین پادشاه یهود و پسرش یوناتان و بعدها جسد داود، دومین پادشاه یهود، نیز در آرامگاه های سلطنتی و خانوادگی دفن شد (دوم سموئیل، ۲۱: ۱۲-۱۴؛ اول پادشاهان، ۲: ۱۰). احتمالاً یهودیان در آن زمان بر این باور بوده اند که اعضای خانواده پس از مرگ در کنار هم در جهانی دیگر به زندگی خود ادامه خواهند داد، لذا سعی داشته اند مردگان خود را تا حد امکان در مقابر خانوادگی دفن کنند.^۲

افزون بر این، بر اساس روایات کتاب مقدس، یهودیان بناهایی بر قبور مردگان خود می ساختند که به مرور زمان برخی از آنها به مکان های مقدس و حتی زیارتی تبدیل شد. می توان گفت ستون سنگی که یعقوب بر قبر همسر خویش راحیل بنا کرد (پیدایش، ۳۵: ۲۰)، نخستین بنا بر مقابر به حساب می آید. گویا این رسم در دوره پادشاهان و حتی تا دوره معبد اول (حدود ۵۸۶ پ.م) کمابیش رایج بوده است (برای مثال دوم پادشاهان، ۲۳: ۲۰-۱۷). یافته های باستان شناختی هم نشان می دهد که به مرور زمان، یهودیان

۱. هلی، هنری، راهنمای کتاب مقدس، ترجمه باباخانیان، انتشارات آرک، ۲۰۰۰م، ذیل آیه؛ ولیبی کلاپرمن، ژیلبرت، تاریخ قوم یهود، تهران، انجمن فرهنگی اوتصرهتورا گنج دانش ایران، ۱۳۴۷ش، ج۱، ص ۵۰.

۲. Yeivin, Ze'ev, "Tombs and Tombstones", *Encyclopaedia Judaica*, Macmillan, ۲۰۰۷ vol. ۲۰, pp. ۳۲-۳۵.

۳. Raphael, Simcha Paull, *Jewish Views of the Afterlife*, Rowman & Littlefield Publishers, 2009, pp. ۴۴-۴۵.

احتمالاً به خاطر حفظ اجساد از گزند حیوانات وحشی مقبره‌ها را عمیق‌تر کردند و روی آن سنگ‌های بزرگی قرار می‌دادند.^۱ مشخص کردن مقبره با استفاده از ستون سنگی یا بنای عظیم تا دورهٔ معبد دّوم (۷۰م و بعد) هم رایج بود. فلاویوس یوسیفوس (۳۷-۱۰۰م) مورّخ یهودی در کتاب خود یهودیت باستان از شمعون حشمونائی (د.۱۳۴پ.م) نام می‌برد که روی قبر پدر و برادر خود بنای بزرگ سفید و براقی سنگی^۲ ساخت و مردم همگی بر آنها سوگواری کردند. به گزارش یوسیفوس این بنا آنقدر بزرگ بود که از دور دست‌ها دیده می‌شد. علاوه بر این، شمعون برای والدین خود هفت مقبرهٔ هرمی زیبا ساخت.^۳

۵۷

پژوهشنامهٔ ادیان

بررسی تطبیقی آداب تدفین و بنای بر قبور مردگان در ادیان ابراهیمی

در دوران بعدی نوشته‌هایی بر روی سنگ مزار یهودیان حک می‌شد؛ چرا که در تلمود مطالعهٔ این نوشته‌ها از اوجب واجبات و دارای ثواب عظیم شمرده شده است. در دورهٔ تلمودی، ساختن بناهای سنگی روی مقابر از آداب رایج کفن و دفن یهودیان محسوب می‌شد.^۴ در دورهٔ حشمونائیان (۱۴۰-۳۷پ.م) و شاید به تأسی از یونانیان و رومیان، ساختن سنگ‌قبرهای مزین و بزرگ به نشانهٔ یادبود بر روی مقابر رواج یافت. گویا چنین بناهایی با روح یهودیت در تضاد بود و شاید به همین خاطر ربی شمعون گمالیل یکی از حکمای تلمودی توصیه کرد روی مقبرهٔ بزرگان یهود، بنایی ساخته نشود.^۵

به‌مرور زمان، یهودیانی که خارج از سرزمین اسرائیل زندگی می‌کردند، با تأثیرپذیری از اقوام پیرامونشان به کفن و دفن مردگان خود پرداختند و همانند آنها، بناهایی هم بر روی مقابر بزرگان خود ساختند. اما یهودیان داخل اسرائیل در این زمینه با محدودیت‌هایی مواجه بودند. به‌رغم مخالفت برخی بزرگان یهود از جمله موسی بن میمون (۱۱۳۸-۱۲۰۴م)، فیلسوف و متکلم معروف یهودی، از حدود سدهٔ دّوم

۱. Yeivin, Ze'ev, Vol. 20, p.34.

۲. μέγιστον ὠκοδόμησεν.

۳. Ιώσηπος Φλάβιος, η 'Ιουδαϊκή ἀρχαιολογία, Ed. Benedikt Niese, Berlin, ۱۸۹۵, Book ۱۳, Section ۶.

۴. Yeivin, Ze'ev, Vol. ۲۰, p.۳۳.

۵. Yeivin, Ze'ev, Ibid, p.34.

پیش از میلاد به این سو، ساختن یادبودها و نوشتن کتیبه‌هایی روی سنگ مزارها کمابیش ادامه یافت و در طول قرن‌ها دچار تغییراتی شد. برای مثال، امروزه گاه نشانه‌هایی مثل ستاره داود نیز بر مقابر قرار داده می‌شود.^۱

در تاریخ یهودیت، گاه برخی از این مقابر به عنوان مکان‌های زیارتی اهمیت پیدا کرده‌اند. در سرزمین موری کوهی که قرار بود ابراهیم (ع) به دستور خداوند، اسحاق را در آن قربانی کند (پیدایش، ۲۲)، از نخستین مکان‌های مقدس فرهنگ یهود به حساب می‌آید. بعدها یعقوب در بیت‌ئیل (خانه خداوند)، در رؤیایی خدا را مشاهده و پس از بیداری ستون سنگی‌ای در آنجا بنا کرد (پیدایش، ۳۵). بعدترها هر دو، کوه واقع در سرزمین موری و ستون سنگی که یعقوب ساخته بود، به مکان‌های مقدس و زیارتی در بین یهودیان تبدیل شدند. در دوره داوران (حدود ۱۲۰۰ پ.م به بعد) مکانی به نام شیلوه، که یوشع بن نون خیمه عهد و صندوقه موسی (حاوی الواح) را آنجا قرار داده بود (داوران، ۲۱: ۱۹-۲۲)، مکان زیارتی و مقدس یهودیان بود. بنابراین به احتمال زیاد تا پیش از دوره پادشاهان (حدود ۱۰۲۰ پ.م) شیلوه، بیت‌ئیل و کوه سینا مکان‌های مقدس و زیارتی یهودیان بوده‌اند.

بعدها در دوره پادشاهان، سلیمان معبد را ساخت (اول پادشاهان، ۵-۶) و در نتیجه معبد به مهم‌ترین و اصلی‌ترین مکان مقدس در یهودیت تبدیل شد. البته از زمان داود به بعد اورشلیم نیز به منزله مکان مقدس و زیارتی مورد توجه قرار گرفت و در طول سده‌های طولانی تا به امروز اهمیت خود را حفظ کرده است (اشعیا، ۳۳: ۲۰ و به بعد). در نهایت، از دوره تلمودی به بعد به تدریج رفتن بر سر مزار در بین یهودیان رایج شد. هرچند در یهودیت، حکم شرعی صریحی درباره زیارت قبور وجود ندارد، اما در طول تاریخ یهودیان گاه به زیارت مقابر ربی‌ها و حکما و بزرگان یهود، پرداخته‌اند.^۲

۱. Raphael Patai & Haya Bar-Itzhak, *Encyclopedia of Jewish Folklore and Traditions*, Routledge, 2012, p. 525-530.

۲. Ioannides, Mara W. Cohen and Dimitri Ioannides, "Global Jewish Tourism", *Religion and Spiritual Journeys*, Routledge, ۲۰۰۶, p. ۱۶۴.

۲. مسیحیت

در عهد عتیق به صراحت دستور داده شده که بنی اسرائیل، خداوند را در مکان مشخصی عبادت کنند (خروج، ۲۳: ۱۷؛ تثیبه، ۱۶: ۱۶). اما در عهد جدید نه تنها به پرستش خداوند در یک مکان خاص اشاره‌ای نشده، بلکه این امر حتی رد نیز شده است (اعمال، ۱۷: ۲۴). شاید به همین دلیل در سده‌های نخستین میلادی، بین مسیحیان زیارت چندان رایج نبود. با این حال، از سده چهارم میلادی به بعد، در مسیحیت زیارت، و در نتیجه، ساختن بنا بر مقابر نیز نسبتاً رایج شد. به عبارت دیگر، در مسیحیت از سده چهارم میلادی به بعد، قداست قبور و بناهای آنها با امر زیارت گره خورد. در این زمینه شاید انگیزه‌ها و دلایل متعددی وجود داشته باشد، اما به نظر می‌رسد کوشش مسیحیان برای کاستن از اهمیت اورشلیم مهم‌ترین دلیل بوده که باعث رونق گرفتن ساختن بنا بر قبور و در نتیجه زیارت شده است. هر چند در مسیحیت قبور شهدا از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بود، اما آرامگاه‌های رسولان و برخی کلیساها نیز با عنوان مکان‌های مقدس مورد تکریم قرار می‌گرفتند. به مرور زمان، ساختن بناهایی بر قبور شهدا و زیارت آنها تا قرون وسطی و حتی پس از آن، پررنگ‌تر شد. همان‌طور که در ادامه نشان خواهیم داد، پدران کلیسا از سده چهارم میلادی به بعد در آثارشان زیارت قبور شهدا را از اصول مهم مسیحیت در نظر گرفته‌اند، عقیده‌ای که تا به امروز تقریباً به قوت خود باقی است.^۱

آن گونه که از آثار پدران کاپادوکیه؛ گریگوریوس نازیانزوسی (۳۳۰-۳۹۰)، باسیل قیصریه‌ای (۳۳۰-۳۷۹) و گریگوریوس نسیایی (۳۳۵-۳۹۴) برمی‌آید، در سده چهارم میلادی ارج نهادن به شهدا در کاپادوکیه پررنگ‌تر شد. اینان در واقع، زیارت قبور شهدا را تبلیغ و فرهنگ‌سازی کردند. گریگوریوس نسیایی و برادرش باسیل در این زمینه سعی وافر به خرج دادند و خودشان نیز به زیارت قبور شهدا می‌رفتند و مردم عادی و روحانیان مسیحی را هم بدان تشویق می‌کردند.^۲ باسیل در نامه‌اش به اسقف‌های پونتوس

۱. Bitton-Ashkelony, Brouria, *Encountering the Sacred: The Debate on Christian Pilgrimage in Late Antiquity*, University of California Press, 2005, p. 30.

۲. Bitton-Ashkelony, p. ۳۱.

از همهٔ مسیحیان خواست شهدای خود را ارج نهند و از دو نفر به نام‌های اوپسیخوس و داماس^۱ نام برد که از شهدای معروف کاپادوکیه بودند و بین مردم منزلت خاصی داشتند، به طوری که هر سال یاد آنان گرامی داشته می‌شد. در نامه‌ای دیگر به یک کشیش ناشناس از او خواست به هیچ وجه از زیارت قبور شهدا^۲ غافل نشود.^۳

گرگوریوس نسیایی هم مثل برادر خویش زیارت قبور شهدا را از اهمّ واجبات و محصول ایمان می‌شمرد. او در نامه‌هایش به آرامگاه‌های شهدا اشاره داشته که بناهای با شکوهی روی آنها ساخته شده و خود وی آن مقابر را زیارت کرده است.^۴ او در نامه‌هایش شهدای شهر سبستین را بسیار ارج نهاده و از همهٔ مسیحیان دعوت کرده که به زیارت آرامگاه‌های آنان بروند. گرگوریوس معتقد است که پیکر شهید با جسد انسان‌های معمولی فرق می‌کند، چراکه شهدا حرمت خاصی دارند و مؤمنان را به سمت خود جذب می‌کنند، به همین خاطر آنان با احترام زیاد در مکان‌های مقدّس دفن می‌شوند. در نگاه وی، شهدا حامی، شفیع^۵ و یاری‌کنندهٔ مومنان در گرفتاری‌ها هستند.^۶

رساله‌های باسیل و گرگوریوس نشان می‌دهد که در اواخر سدهٔ چهارم میلادی در کاپادوکیه تعداد زیادی از قبور شهدا موجود بوده است. در آثار مسیحیان آن دوره، مقابر شهدا عمدتاً با عنوان «مکان مقدّس»^۷ توصیف می‌شد، شاید به این خاطر که نویسندگان مسیحی قصد داشتند نشان دهند مقابر شهدا از نظر معنوی نسبت به اورشلیم کم‌ارزش نیستند. در این میان، گرگوریوس در تشویق مردم به زیارت قبور شهدا سعی

۱. Εὐψύχιος, Δάμας, Eupsychius and Damas.

۲. μαρτύρων

۳. Deferrari, R. J., *Tou Ev Agiois Patros Hmou Basileiou Epistolai*, LCL, London, 1962, Vol.4, p.18; Schaff, Philip, *Basil: Letters and Select Works*, Grand Rapids, Christian Classics Ethereal Library, ۱۸۹۴, pp.۸۰۱ & ۸۵۱.

۴. Schaff, Philip, *Gregory of Nyssa: Dogmatic Treatises*, Grand Rapids, Christian Classics Ethereal Library.1892, p.1015.

۵. Παράκλητοι

۶. Bitton-Ashkelony, Ibid, p36; Schaff, *Gregory of Nyssa: Dogmatic Treatises*, p.1027.

۷. ἱερός τόπος

وافری داشت؛ او به مخاطبان‌ش گوشزد می‌کرد که لطف شهید نه تنها در این دنیا، بلکه در جهان آخرت نیز شامل حال زائران خواهد شد. به همین جهت، وی والدین خود را کنار قبور شهدا دفن کرد تا روز قیامت با آنان محشور شوند. در آن زمان، دفن اشخاص در کنار قبور شهدا نوعی فرهنگ رایج بود. برای مثال، گرگوریوس نازیانزوسی هم والدین خود را نزدیک قبور شهدا دفن کرد.^۱

بعدها جروم (د. ۴۲۰م) نسبت به مکان‌های مقدّس دیدگاه دوگانه‌ای اتخاذ کرد؛ وی در برخی آثارش توصیه کرد که مسیحیان فقط به زیارت اورشلیم بپردازند و در برخی دیگر اذعان داشت که زیارت قبور امری پسندیده است. با این حال، او نیز موافق زیارت قبور شهدا و رسولان مسیحی بود. در زمان وی، تکریم آرامگاه‌های شهدا از حالت بومی خارج و تقریباً به یک آیین همگانی تبدیل شد، چنانکه از سرتاسر روم به زیارت شهدا که عمدتاً افرادی از طبقات پایین جامعه بودند، روی آوردند. برای نمونه، یوحنا ی زرین دهان (د. ۴۰۷م) به خاطر وجود قبور شهدا و رسولان، به ویژه قبر پولس در رم، به تمجید آن شهر پرداخت.^۲

البته مصادف با همین زمان شخص دیگری به نام ویجیلانتیوس^۳ (د. ۳۷۰م) با زیارت قبور شهدا مخالفت کرد. او زیارت قبور و تبرک یادگارهای شهدا، شفیع بودن آنان، معجزه و شفابخشی آنان و فرستادن هدایا در قالب زکات به اورشلیم را خرافات تلقی می‌کرد. او همچنین جروم را به داشتن عقاید اوریگنسی متهم کرد، درمقابل، جروم نیز علیه وی رساله‌ای نوشت و با لحن تندى به او پاسخ داد و باورهای او را ابطال کرد. در هر صورت، ویجیلانتیوس به نقد زیارت قبور شهدا، ساختن بنا بر روی قبور آنان، بوسیدن آرامگاه‌های شهدا و تبرک دانستن خاک قبرشان پرداخت و تأکید کرد که شهدا قدرت شفاعت ندارند. او مسیحیانی را نقد کرد که یادگارهای شهدا را داخل ظروف یا پارچه‌هایی نگه می‌داشتند و آنها را مقدّس می‌شمردند. اما در نگاه جروم

۱. Bitton-Ashkelony, p. 41-42; Leemans, Johan, "Style and Meaning in Gregory of Nyssa's Panegyrics on Martyrs", *Ephemerides Theologicae Lovanienses*, ۸۱/۱. Leemans, ۲۰۰۵, ۱۱۲-۱۱۴.

۲. Bitton-Ashkelony, p. ۹۷-۹۸.

۳. Vigilantius

هیچ کدام از اینها مذموم نبود، چراکه شهدا همواره زنده‌اند و زیارت قبور و یادگارهای آنان و ساختن بناهایی بر روی آرامگاهشان، اعمال بسیار پسندیده‌ای هستند. به نظر جروم حتی روشن کردن شمع بر روی قبور شهدا، نه به این معناست که شهیدان نیازمند نور شمع هستند و نه نشانه بت پرستی است، بلکه فقط حاکی از ایمان مؤمنان است.^۱ برخلاف دیدگاه ویجیلانتیوس، به نظر جروم وجود شباهت بین آیین زیارت قبور شهدا و مراسم مشابه در بین بت پرستان روم باستان، دال بر بت پرستی مسیحیان نیست.

با اینکه در زمان آگوستین (د. ۴۳۰م) زیارت مکان‌های مقدّس هم در فلسطین و هم در رم رایج بود، اما وی در آثار خود به این امر چندان توجه نشان نداد. در مقابل، آگوستین از زیارت معنوی صحبت کرد که پیش و پس از وی چنین تصویری از زیارت در آثار مسیحیان رایج بود، اما به تدریج در محافل رهبانیت پررنگ‌تر نیز شد.^۲ در واقع، از سده چهارم میلادی به بعد، قبور شهدا و کلیساهایی به منظور گرامی‌داشت یاد آنان ساخته شد، چراکه یکی از اهداف اصلی مسیحیان و نوآیینان، طلب یاری و معجزه از صاحبان قبور بود؛ چنانکه اثر سوزومونوس (د. ۴۵۰م) درباره تاریخ کلیسا نشان می‌دهد، دفن اسقف‌ها، کشیشان و شهدا در کلیسا،^۳ یا وجود مقبره اسقف‌ها و شهدا در محل‌های عبادت و نیایش،^۴ یا حتی ساخت محل عبادت در پیرامون قبر آنها^۵ امری مرسوم بوده است.

آگوستین در بخش آخر شهر خدا فهرستی طولانی از انواع معجزات را ذکر می‌کند که در هنگام زیارت قبور شهدا رخ داده است و همه آنها را می‌پذیرد. او از ناینایی نام می‌برد که بعد از زیارت قبر یک شهید بینایی خود را باز یافت. همچنین از اشخاص

۱. Schaff, Philip, *Jerome: The Principal Works of St. Jerome*, New York: Christian Literature Publishing Co, ۱۸۹۲, p. ۷۸۴ff. Letter ۶۱, p. ۲۹۶.

۲. Bitton-Ashkelony, *Encountering the Sacred*, p ۱۰۸-۱۱۱.

۳. Sozomen, *The Ecclesiastical History*. Trans. C. D. Hartranft in *The Nicene and Post-Nicene Fathers*, series 2. Ed. P. Schaff and H. Wace. Grand Rapids, MI: Eerdmans Publishing Co., 1978, pp. ۱۹۸, ۳۱۶.

۴. Sozomen, pp. 395, 401.

۵. Sozomen, pp. 411, 420.

متعددی می‌گوید که همگی بیماری‌های بی‌علاجی مثل سرطان داشتند، اما پس از زیارت قبور شهدا، سلامتی خود را به دست آوردند. به نظر او، همان‌طور که در عهدجدید از معجزات حضرت عیسی (ع) زیاد صحبت شده، معجزات به وقوع پیوسته در قبور شهدا هم واقعی هستند، همچنین تأکید می‌کند که هدف از ذکر معجزات شهدا و تأییدشان این است که حَقَّائِیتِ مَسِیحِیَّتِ را به کافران نشان دهد.^۱

بازتاب قبور شهدای مسیحی در متون اسلامی

همان‌طور که اشاره شد، پیش از ظهور اسلام ساختن بنا بر قبور در یهودیت و به‌ویژه مسیحیت امری تقریباً رایج بود. بعدها در آثار مسلمانان نیز گاه به ساختن بنا بر قبور شهدای مسیحی اشاره شده است. برای مثال در قرآن در ماجرای اصحاب کهف از بنای بر قبور در فرهنگ مسیحیت صحبت شده است: «إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ بُيُوتًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَيَّ أَمْرَهُمْ لَنَنْخُدَنَّ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا» (کهف، ۲۱): «هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند، پس [عده‌ای] گفتند: «بر روی آنها ساختمانی بنا کنید، پروردگارشان به [حال] آنان داناتر است.» [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: «حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد.» اصحاب کهف در زمان پادشاه بت‌پرستی به نام دیکوس (۲۴۹-۲۵۱م) به غار پناه بردند، و در روزگار ثیودوسیوس دوم (۴۰۸-۴۵۰م) از خواب طولانی خود برخاستند.^۲ برخی مسلمانان این آیه را دالّ بر امضاء قرآن بر جواز عبادت نزد قبور اولیاء و صالحان و ساخت مسجد بر قبور دانسته‌اند.^۳ طبق این آیه، مردم در عین اتفاق نظر درباره اصل ساخت بنا بر قبر که نشان از فرهنگ رایجشان دارد، درباره ماهیت آن اختلاف داشتند؛ برخی ساخت بنا و برخی ساخت مسجد بر قبر را پیشنهاد دادند. به نظر بعضی مفسران، گروه اول کافران یا مشرکان بوده‌اند که می‌خواستند در غار را بر روی آنان

۶۳

پژوهشنامه ادیان

بررسی تطبیقی آداب تدفین و بنای بر قبور مردگان در ادیان ابراهیمی

۱. Augustine of Hippo, *The City of God*, Documenta Catholica, ۲۰۰۶, Book ۲۲, Chap. ۸.

۲. مجذوب، اصحاب کهف در تورات، انجیل، قرآن، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۰ش، ص ۶۸.

۳. همدانی، محمدعلی، الوهابیون والبیوت المرفوعة، دمشق، دار الاحیاء، ۲۰۰۱م، ص ۷۱.

مسدود کنند یا بنایی مقبره گون بسازند تا از دید مردم پنهان باشند، و گروه دوم پادشاهان مسیحی و طرفداران اصحاب کهف یا بزرگان شهر بودند و می‌خواستند بر در غار آنها مسجدی بسازند تا جایی برای عبادت باشد و یاد و آثار اصحاب کهف باقی بماند.^۱ اما طبق برخی پژوهش‌ها، گروه اول که ساخت بنا را پیشنهاد کردند نیز موحد بوده‌اند.^۲ به هر حال، از آن‌جا که قرآن گروه دوم را با وصف «الَّذِينَ غَلَّبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ» معرفی کرده، معلوم می‌شود در نهایت این گروه اختیار کار آنان را به عهده گرفته و مسجدی در آن‌جا ساخته‌اند.^۳ برخی وجود یک زیارتگاه باستانی در افسوس (استان ازبکستان ترکیه کنونی) را با این ماجرا مرتبط دانسته‌اند.^۴

همچنین برخی نویسندگان مسلمان به این گونه بناها اشاره کرده‌اند؛ از جمله قدیمی‌ترین این سازه‌ها، کنیسه بزرگی است که مسیحیان در ۳۶۷م، بر قبر جرجیس^۵ و به نام او درست کردند؛ جرجیس قدیسی نصرانی بود که به گمان طبری، آخرین نفر از حواریون حضرت عیسی (ع) را درک کرده بود. وی در حدود ۳۰۲م به شهادت رسید. عرب عصر جاهلی این قدیس را می‌شناخت.^۶ گویا به دلیل آگاهی از این پیشینه فرهنگی است که در دوره اسلامی، عبادتگاهی با ماهیت اسلامی بر قبری منسوب به جرجیس بنا شد؛ ابن جبیر اندلسی (د. ۶۱۴ق) در شرح دیدار خود از موصل در ۵۸۰ق می‌گوید: خداوند این سرزمین را با محل شهادت جرجیس گرامی داشت؛ در آنجا مسجدی بنا شده و قبر او در گوشه‌ای از آن قرار دارد و ما به زیارت و توقف نزد آن

۱. طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۱۴۹؛ طبرسی، مجمع البیان، تصحیح یزدی و رسولی، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۷۱۰.

۲. ر.ک: اخوان مقدم و زیدی جودکی، «تحلیل پیشنهاد ساخت «بنا» و «مسجد» بر اصحاب کهف از دیدگاه فریقین»، آموزه‌های قرآنی، ش ۳۳، ۱۴۰۰ش، صص ۱۸۹-۲۱۴.

۳. طبرسی، ج ۶، ص ۷۱۰.

۴. Reynolds, Gabriel Said, *The Qur'an and the Bible*, New Haven and London: Yale University, 2018, p ۴۵۶.

۵. Saint George

۶. شیخو، لوپس، النصرانیة وآدابها، بیروت، منشورات دارالمشرق، ۱۹۸۹م، صص ۲۸۱-۲۸۲.

تبرک جستیم.^۱

در تاریخ مسیحیان جزیره العرب معروف است که کنیسه‌ای بر مشهد شهدای نجران (شهری در مرز کنونی یمن، با نام قدیم اخدود) که در بیان قرآن به ماجرای اصحاب اخدود (بروج، ۴-۸) شناخته است بنا کردند. این مکان چنان مورد توجه قرار گرفت که به «کعبه نجران» معروف شد و اعتقاد بر آن بود که هر کس بدان وارد می‌شود، حاجت خود را می‌یابد.^۲ این تسمیه، گذشته از اینکه آیا قصد داشته این بنا را در مقابل کعبه مکه قرار دهد یا نه، مؤیدی است بر اینکه عرب جاهلی این بنا و پیش‌زمینه فرهنگی آن را می‌شناخته است.

۶۵

پژوهشنامه ادیان

بررسی تطبیقی آداب تدفین و بنای بر قبور مردگان در ادیان ابراهیمی

۳. جاهلیت

طبق آنچه جاحظ (د. ۲۵۵ق) در آثار خود آورده و زمخشری نیز از ابو عبیده (د. ۲۰۸ق) نقل کرده،^۳ هر امتی برای حفظ آثار و مناقب خود روشی دارد؛ عرب در دوره جاهلیت به واسطه شعر موزون و سخن قافیه‌دار، و عجم با ساختن بنا، آثار نیک خود را حفظ می‌کردند. عجم استخر، مدائن، شهرها، باروها، پل‌ها و نواویس (جمع ناووس: مقابر نصارا) را بنا کرد و عرب دوست داشت که در ساخت بنا با عجم مشارکت و در شعر انفراد داشته باشد؛ لذا غمدان (قصری در یمن)، کعبه نجران، قصر مارد، قصر مأرب و دیگر بناها را ساخت.^۴ جاحظ در ادامه تصنیف کتب را در نگاه‌داری متأثر مؤثرتر از بنا می‌داند؛ چرا که بنا با گذشت زمان ویران می‌شود، اما کتاب برای قرن‌ها و امت‌های آینده باقی می‌ماند، پس بیش از بنا و تصویر باعث حفظ آثار نیک می‌شود.^۵ توجه ابو عبیده و جاحظ به تفاوت فرهنگ‌های مختلف در این زمینه و نیز تقابلی که

۱. ابن جبیر، رحلة ابن جبیر، بیروت، دار بیروت للطباعة والنشر، بی‌تا، ص ۲۱۱.

۲. شیخو، ص ۳۴۵؛ حسن، حسین حاج، حضارة العرب فی عصر الجاهلیة، بیروت: المؤسسة الجامعیة للدراسات والنشر والتوزیع، ۱۴۲۶ق، ص ۱۸۳.

۳. ر.ک: زمخشری، ربیع الأبرار ونصوص الأخیار، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷۳.

۴. جاحظ، الحیوان، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۵۱.

۵. جاحظ، المحاسن والأضداد، بیروت، دار ومکتبة الهلال، ۱۴۲۳ق، ص ۱۹.

بین بنا از سویی، و شعر و علم از سوی دیگر برقرار می‌کنند، جالب است. به هر حال، ایشان ساخت بناهایی از جنس آنچه را که گذشت، تنها وسیله‌ای برای حفظ آثار گذشتگان می‌دانند، گرچه به اندازه کلام پایدار نباشند. بر این اساس، می‌توان گفت ساخت بنا بر قبور برای یادبود بزرگان، اگرچه فرهنگی اصالتاً عربی نیست، اما عرب جاهلی پیش از اسلام آن را به واسطه مسیحیان عرب، از دیگر فرهنگ‌ها وام گرفته است. این مسأله، با شعری از اعشی (د.۷ق) شاعر عصر جاهلی تأیید می‌شود؛ وی در ابیاتی که آن را خطاب به ناقه‌اش سروده، سخن از «زیارت» «کعبه نجران» به میان آورده است.^۱

عرب‌ها در دوره جاهلیت مردگان را دفن می‌کردند. تنها اینکه چون عالم پس از مرگ عالمی غیر محسوس است و اعراب بادیه بر خلاف دیگر امم تصویری نسبت به آن نداشتند و حتی خود را با تفکر درباره آن به زحمت نمی‌انداختند، مراسم دفن میت‌شان بر حرت عرب‌های سهرسین یا سجم‌ها، بسیار بی‌حرف بود. اما عرب‌های سهرسین مراسم پیچیده‌تری برای دفن مردگان به خصوص بزرگان قوم داشتند، برای نمونه، در جاهلیت وقتی فرد بزرگی از دنیا می‌رفت، مکیان مغازه‌هایشان را می‌بستند و اطراف خانه فرد در گذشته جمع می‌شدند تا او را تا موضع دفنش همراهی کنند، تعداد شرکت کنندگان در این اجتماع، بر اساس جایگاه اجتماعی میت متفاوت بود.^۲

اهل جاهلیت قبور گذشتگان خود را مقدس می‌شمردند، چرا که معتقد بودند ارواح ملازم قبر خود هستند؛ روح مرده مقتول به پرنده‌ای به نام هامه تبدیل شده و بالای قبرش پرواز می‌کند.^۳ هامه ملازم خانواده میت نیز بود تا آنها را از اخبار او مطلع کند، پس ارواح امواتشان بین آنها باقی بود و بر آنان لازم بود که آنها را تقدیس کنند.^۴ عرب مردگان خود را عادتاً در قبر دفن می‌کردند، در مناطق کوهستانی، مقابر کننده

۱. جاحظ، الحيوان، ج ۳، ص ۲۳۴.

۲. علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب، بیروت، دار الساقی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳. علی، جواد، ج ۸، ص ۱۵۱.

۴. علی، جواد، ج ۹، ص ۱۵۰.

۵. برو، توفیق، تاریخ العرب القديم، بیروت، دارالفکر، ۲۰۰۷م، صص ۲۸۷-۲۸۸.

شده در صخره هم دیده شده است. گاه نیز در چنین مناطقی مردگان در غارهای طبیعی دفن شده‌اند که محل سکونت انسان بوده و بعداً به مدفن او تبدیل شده است. اهل جاهلیت به «رجم قبر» عادت داشتند، به این معنا که سنگ‌هایی را برای تعظیم مرده بالای قبرش قرار می‌دادند. تعدادی از این سنگ‌ها که به عنوان شاخص قبر استفاده شده و نام میت و نفرین بر کسی که آن را جابجا کند یا از بین ببرد یا کس دیگری را در آن قبر دفن کند بر آن نوشته شده، از دوره قبل از اسلام برجای مانده است.^۱

اهل جاهلیت قبرها را از سطح زمین بالا می‌آوردند و آن را تکریمی برای مرده می‌پنداشتند. گاهی نیز بر فراز آن بناهایی می‌ساختند، چنانکه در شعر شاعر جاهلی لبید بن ربیع، سخن از بلند کردن دیوار در اطراف قبر عزیز در گذشته اوست،^۲ و یا ابوالخیره (د.۲ق) از مشرکان مکه که بر فراز قبرش قبه بلندی بوده است.^۳ اهل جاهلیت در

مسابات خاص به ریارت قبور می‌رسد و آن را باعث عزب به صاحب قبر می‌سمردند. در دفن مردگان نیز قرابت را رعایت می‌کردند؛ زن در نزدیکی قبر همسرش و پسر نزدیک پدرش دفن می‌شد. گویی می‌خواستند اعضای خانواده نزدیک هم باشند تا در رستاخیز دوباره گردهم آیند. وقتی فرد متوفی بلندمرتبه بود، یاران و نزدیکانش دفن شدن در کنار او را شرف خود می‌پنداشتند.^۴ از جمله قبوری که اهل جاهلیت برای آن‌ها مزار درست کردند، قبور رؤسای قبائل و مردان دین بود که مردم به آنها قسم می‌خوردند، مثل ضریح تمیم بن مر، جد تمیم.^۵

ابن کلبی (د.۲۰۵ق) در تاریخچه پنج بتی که در کنار هم در قرآن نام برده شده‌اند (نوح، ۲۳) می‌گوید: و ذ، سواع، یغوث، یعوق و نسر افراد صالحی بودند که در یک ماه مردند و نزدیکانشان برایشان زاری می‌کردند که مردی از بنی قایل گفت: ای قوم! می‌خواهید پنج بت به شکل آنان برایتان بسازم؟ فقط اینکه نمی‌توانم به آن‌ها روح بدم.

۱. علی، جواد، ۹، صص ۱۶۵-۱۶۸.

۲. رک: عباس، احسان، شرح دیوان لبید بن ربیع، کویت، التراث العربی، ۱۹۶۲م، ص ۲۹۲.

۳. رک: بلاذری، أنساب الأشراف، تحقیق زکار و زرکلی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۴۲.

۴. علی، جواد، ۹، صص ۱۶۸-۱۷۱.

۵. علی، جواد، ج ۱۱، صص ۴۸-۴۹.

گفتند بله، پس او پنج بت با تصویر آنها برایشان ساخت. حال آنها می‌توانستند به سراغ برادر، عمو و پسرعموی خود بروند و گرامی‌شان بدارند؛ بر نسل اول چنین گذشت. نسل بعد آنها را بیشتر گرامی داشتند، نسل سوم از آن هم بیشتر، تا اینکه گفتند اگر پیشینان ما اینها را گرامی داشته‌اند، قطعاً بدین روست که به شفاعت آنها نزد خدا امیدوار بوده‌اند، پس آنها را عبادت کردند تا آنکه به کفر رسیدند.^۱ برخی معتقدند این بت‌ها از قوم نوح به عرب رسیده‌اند.^۲ براین اساس، مراحلی که در خبر پیشین گذشت، در فاصله قوم نوح (ع) تا پیش از ظهور پیامبر (ص) رخ داده است. گرچه نمی‌توان اطمینان داشت چه اندازه از این خبر واقعیت و چه مقدار آن ساخته ذهن بشر در تلاش برای مهندسی معکوس عبادت اصنام است، اما همین اندازه می‌توان گفت که صورت‌بندی خبر تلاش می‌کند نشان دهد چگونه انگیزه گرامی‌داشت بزرگان، می‌تواند به مرور زمان به شرک بیانجامد.

توفیق برو می‌گوید بعضی از عرب‌های جاهلی بر قبور گذشتگان خود سنگ‌ها و نشانه‌هایی نصب کرده و آن را طواف و به مرور زمان عبادت می‌کردند. وی معتقد است پیامبر (ص) به همین دلیل کسانی را که بر قبور مسجد ساختند لعن، از نماز بر آن نهی و به تسویه قبور با سطح زمین امر نموده است.^۳

علاوه براین، یکی از صفات عرب، تفاخر به آباء و اجداد بود^۴ قرآن از ماجرای خبر می‌دهد که در آن، این ویژگی عرب جاهلی آنها را به زیارت قبور کشانده است: «أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ» (تکاثر، ۱-۲) «تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت. تا کارتان [و پایتان] به گورستان رسید.» سیاق سوره تکاثر هم با

۱. ابن کلبی، هشام، الأضنام، تحقیق، احمدزکی باشا، قاهره، دارالکتب المصریة، ۲۰۰۰م، صص ۵۱-۵۲.

۲. زمخشری، الکشاف، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۷۱۹.

۳. برو، توفیق، صص ۲۸۷-۲۸۸.

۴. شکرز، محمود، بلوغ الارباب، مصر، المطبعة الرحمانیة، ۱۹۲۴م، ج ۱، ص ۲۸۵؛ نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران، بنیاد علمی و اسلامی مدرسه الشهدا، ۱۳۶۰ش، ص ۷۱۵.

مکی بودن می‌سازد و هم با مدنی بودن. نظرات مفسران نیز در این زمینه گوناگون است؛ گرچه آنان معتقدند که این سوره درباره قبائلی نازل شد که با کثرت جمعیت مباحثات می‌نمودند، تا آنجا که برای بالا بردن آمار به گورستان رفتند و قبرهای مردگان هر قبیله را شمردند، اما درباره مصداق قبائل اختلاف نظر دارند؛ دو قبیله از قریش در مکه،^۱ دو قبیله از انصار در مدینه^۲ و تفاخر یهود بر دیگران^۳ در این زمینه مطرح شده، اما مشهورتر این است که این سوره ناظر به دو قبیله از قریش یعنی بنی عبدمناف بن قصی و بنی سهم بن عمرو است که با یکدیگر تکاثر نموده و اشراف خود را شمردند. بنی عبدمناف بیش از بنی سهم شدند، اما بنی سهم قبول نکردند و گفتند باید مردگانمان را بشماریم، تا اینکه قبور را شمردند و تعداد بنی سهم بیشتر شدند، زیرا آنها در جاهلیت بیشتر از دیگران بودند.^۴ از نظر فخررازی، این روایت مطابق با ظاهر قرآن است.^۵ طبق این آیات، تفاخر بر یکدیگر آنان را از یاد خدا و قیامت بازداشته، تا جایی که به دیدار قبرها رفته و قبور مردگان را شمردند.^۶

با چنین شأن نزولی، این سوره در مقام تقبیح تکاثر است و از یک خوی جاهلی و معیاری غیر اسلامی در برتری جویی بر دیگران خبر می‌دهد، لذا عبارت «حَتَّىٰ رُؤْمُ الْمُقَابِرِ» از آن جهت نشان‌دهنده عملی مذمّت‌آمیز است که انگیزه آن تکاثر بوده است و در عین حال، نشان از فرهنگ عرب در زیارت قبور دارد.

۴. صدر اسلام

در شریعت اسلام، پس از مرگ، میت را غسل می‌دهند، تکفین و تشییع می‌کنند و نماز میت برای او می‌خوانند و سرانجام، طبق آدابی خاص جنازه‌اش را به خاک می‌سپرند.

۱. طوسی، التبیان، ج ۱۰، ص ۴۰۲.

۲. ابن‌ابی‌حاتم، ج ۱۰، ص ۳۴۵۹.

۳. طبری، ج ۳۰، ص ۱۸۳؛ ابن‌ابی‌حاتم، ج ۱۰، ص ۳۴۶۰.

۴. طوسی، التبیان، ج ۱۰، ص ۴۰۲.

۵. فخررازی، التفسیر الکبیر، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۲، ص ۲۷۰.

۶. طبری، ج ۳۰، ص ۱۸۳؛ طبری، ج ۱۰، ص ۸۱۲.

دفن، یعنی کندن زمین و پنهان کردن میت در آن، از واجبات است. همه مذاهب گذاشتن میت بر روی زمین و ساختن بنایی بر روی آن را جایز نمی‌دانند، حتی اگر درون تابوت باشد و ضرورتی در کار باشد. پس از کندن گور جنازه را درون آن می‌گذارند تا از تعدی حیوانات محفوظ بماند و بوی آن به مشام نرسد. گودی قبر بنا بر روایات در حدود قد یک انسان معمولی است.^۱

در سوره توبه که یکی از آخرین سوره‌های منزل است، آیه‌ای وجود دارد که می‌توان نوع تکریم مورد تأیید قرآن برای اموات مؤمن را از آن دریافت. پس از آنکه آیاتی چند به رفتارها و کارشکنی‌های منافقان و دستور خداوند مبنی بر نوع برخورد با آنان اختصاص یافت (توبه، ۷۳-۸۳)، آیه ۸۴ این سوره پیامبر (ص) را مخاطب قرار داده و می‌فرماید: «وَلَا تُضَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ» (توبه، ۸۴) «و هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست، چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مُردند». در نقلی از انس آمده است: پیامبر (ص) خواست بر جنازه عبدالله بن ابی ریس مسافعان مدینه نماز بخواند که ایه فوق نارسد.

طبرسی (د. ۵۴۸ق) می‌گوید: پیامبر (ص) وقتی بر شخص مرده‌ای نماز می‌خواند، مدتی بر سر قبر او می‌ایستاد و برایش دعا می‌کرد. خداوند در این آیه، پیامبر را از نماز خواندن و ایستادن بر قبر منافقان و دعا برایشان نهی کرد و دلیل آن را کفر و فسق آنان شمرد: «إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ». به همین دلیل، طبرسی معتقد است ایستادن بر سر قبر و دعا خواندن عبادتی مشروع است و گرنه خداوند یک گروه را از آن استثناء نمی‌کرد.^۳ اما برخی اهل سنت این برداشت را مشروط به این می‌دانند که منظور

۱. بهرامی و مهدوی‌منش، «خاک‌سپاری»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، <https://cgie.org.ir/fa/article/۲۳۶۷۶۴> (دسترسی: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸).

۲. طبری، ج ۱۰، ص ۱۴۱؛ طبرسی، ج ۵، ص ۸۷.

۳. طبرسی، ج ۵، ص ۸۷.

پیامبر(ص) از وقوف بر قبر، اعم از ایستادن برای دفن یا زیارت باشد.^۱ به هر حال، این آیه در آثار کلامی معاصر شیعه، دالّ بر مشروعیت زیارت قبور دانسته می‌شود.^۲ به‌طور معمول، برخی شواهد روایی نیز در تأیید سیره پیامبر(ص) یا صحابه ایشان در زیارت قبور، متمایز ساختن قبر با علائم برای تسهیل تشخیص و زیارت آن، و یا بنای سازه‌ای مسقف پیرامون قبر برخی افراد ارائه می‌شود. برای نمونه، نقل شده است که بعد از وفات عثمان بن مظعون و دفنش در بقیع، پیامبر چیزی را بر سر قبرش گذاشت و فرمود این نشانه‌ای بر قبر اوست.^۳ عمر بن حزم می‌گوید، قبر عثمان بن مظعون را دیدم در حالی که چیز بلندی مانند علم در کنار آن بود.^۴ از امام باقر(ع) نیز روایت شده است حضرت فاطمه(س) به کنار قبر حمزه می‌آمد و آن را اصلاح می‌کرد.^۵ همچنین به روایت بخاری، بعد از وفات حسن بن حسن بن علی، همسر او قبه‌ای بر قبر او زد و یک سال به عزاداری پرداخت.^۶ نیز گفته‌اند عقیل بن ابی طالب در خانه خود چاهی کند و در آن به سحت گیری بر حورد. وی چاه را از حات پر و روی آن سستی با نمود.

موضوع زیارت قبور در آثار حدیثی علمای شیعه فراوان دیده می‌شود؛ روایات این موضوع، در باب زیارت قبور کتبی چون اصول الکافی،^۸ کتاب المزار تهذیب الاحکام^۹

۱. بیضاوی، انوار التنزیل، محقق: محمد مرعشلی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۹۲.
۲. رک: سیحانی، جعفر، بحوث فی الملل والنحل، قم: مؤسسه النشر الإسلامی ومؤسسه الإمام الصادق(ع)، ۱۴۱۴ق، ج ۴، ص ۲۵۲؛ همدانی، ص ۴۱.
۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، محقق: احسان عباس، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۳۹۹.
۴. ابن سعد، ج ۳، ص ۳۹۷.
۵. ابن سعد، ج ۳، ص ۱۹.
۶. بخاری، ج ۲، ص ۸۸.
۷. ابن شهبه، تاریخ المدینه، تحقیق، فهیم محمد شلتوت، جده، السید حبیب محمود احمد، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۲۰.
۸. کلینی، الکافی، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۶۴.
۹. طوسی، تهذیب الاحکام، محقق: حسن خراسان، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲.

و باب ثواب زیارت نبی وائمه من لایحضره الفقیه^۱ قابل مشاهده است. کتاب المزار شیخ مفید و المزار شهید اول نیز از جمله آثاری هستند که به بحث زیارت قبور و مشروعیت آن پرداخته‌اند.

با این همه، در قرن دوازدهم، ابن عبدالوهاب (د. ۱۲۰۶ق) براساس آموزه‌های ابن تیمیه (د. ۷۲۸ق) به مخالفت با ساخت بنا بر قبور پرداخت؛ وی که خود را سلفی می‌دانست، معتقد بود تعظیم قبور انبیا یا بنای بارگاه و چراغانی آن و نماز خواندن نزد آنها از بدعت‌هایی است که پیامبر از وقوع آنها خبر داده و با نهی از تجسیص قبور و بنا بر آن، راه‌های منجر به شرک را بسته است: «لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّى يَلْحَقَ قَبَائِلُ مِنْ أُمَّتِي بِالْمُشْرِكِينَ، حَتَّى تَعْبُدَ قَبَائِلُ مِنْ أُمَّتِي الْأَوْثَانَ»^۲. او در نهایت نتیجه گرفت که تخریب قبه‌های ساخته شده بر روی قبور، واجب است.^۳

اما با وجود پیشینه تاریخی موجود در منابع شیعه و اهل سنت، و نیز پیشینه‌ای که از ادیان گذشته و جاهلیت مطرح شد، روایات ناظر به نهی پیامبر (ص) از زیارت قبور را می‌توان مبارزه با زمینه فکری موجود در رفتارهای پیشااسلامی دانست. نهی که بعد از تبیین فرهنگ اسلامی توسط ایشان، برداشته شد. اخباری وجود دارد که نشان می‌دهد پیامبر (ص)، دستور منع زیارت قبور را ملغی نموده است: «إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْعُبُورِ صُرُورًا، يَبْهَأُ بِنُورِ حَرِّهِ»^۴. در این خبر، دلیل ادن یادآوری احرب سمرده شده و در نقل ابن مسعود از همین خبر، پارسایی انسان‌ها در دنیا نیز به عنوان هدف مطرح

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۷۷.

۲. رک: ترمذی، السنن، تحقیق، احمد محمد شاکر، مصر، مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق، ج ۴، ص ۶۹.

۳. ابن عبدالوهاب، الرسائل الشخصية، محقق: صالح بن فوزان و محمد عیلقی، ریاض، جامعة الامام محمد بن سعود. بی تا، صص ۱۱۳-۱۱۴.

۴. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، تحقیق، حبيب الرحمن اعظمی، بیروت، المكتب الاسلامی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۵۶۹؛ احمد بن حنبل، المسند، محقق: شعيب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۹۸.

شده است: «فإنها تُرْهَدُ فِي الدنیا، وَتُدَكَّرُ الْآخِرَةَ».^۱ در برخی دیگر از تحریرهای این خبر، اذنی که به پیامبر (ص) برای زیارت قبر مادرشان داده شده، مقدمه این اذن عمومی شمرده شده است: «إِنِّي كُنْتُ نَهَيْتُكُمْ عَنْ زِيَارَةِ الْقُبُورِ، فَإِنَّهُ قَدْ أُذِنَ لِمَحَمَّدٍ فِي زِيَارَةِ قَبْرِ أُمَّه، فَزُورُوهَا فَإِنَّهَا تَذَكَّرُكُمْ».^۲

احادیث و آیات مطرح شده نشان می‌دهند که در اثر تغییرات فرهنگی ایجاد شده در طول دوره حضور پیامبر (ص) و فراموش شدن آداب جاهلی زیارت قبور، این مسأله در زمانی از دوره حضور ایشان جایز شمرده شده است. آلوسی که به این تفاوت فرهنگی توجه داشته است، پس از اشاره به روایت اخیر می‌گوید: اگر زیارت قبور برای یادآوری آخرت باشد، مذموم نیست، اما اگر برای تفاخر باشد، مذموم است، همان‌طور که عده‌ای از متصوفه این کار را انجام می‌دادند.^۳ اگر اعتقاد عموم مسلمانان درباره صدور جواز زیارت قبور از سوی پیامبر (ص) و یا حتی امر ایشان به آن صحیح باشد، مشاهده بناهایی که در طول تاریخ اسلام برای محافظت قبور از تخریب و آسایش بیشتر زائران، بر قبور ائمه و بزرگان دین بنا شده، امری ناگزیر خواهد بود.

نتیجه

بررسی وضعیت ادیان ابراهیمی درباره مسأله تدفین مردگان و ساخت آرامگاه و یا بنای زیارتی بر قبر آنها، نشان از مشابهت فرهنگی زیاد این ادیان دارد. در همه این ادیان، با جسد فرد مرده با احترام برخورد و آن را در خاک دفن می‌کنند. نیز در همه آنها قبر افراد برجسته مورد احترام و از مسجعی از تاریخ به بعد، محل زیارت بوده است. ۱۰۸ و جوه

۱. ابن ماجه، السنن، تحقیق، محمّد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دارالاحیاء الکتب العربیة، ۳۷۲ق، ج ۱، ص ۵۰۱.

۲. ابن ابی شیبیه، المسند، تحقیق، عزازی و مزیدی، ریاض، دارالوطن، ۱۹۹۷م، ج ۱، ص ۲۱۲؛ یزار، ابوبکر، المسند، تحقیق، محفوظ زین‌الله، مدینه، مکتبة العلوم والحکم، ۱۹۹۸م، ج ۱، ص ۲۷۱.

۳. رک: آلوسی، روح المعانی، تحقیق، علی عبدالباری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۵ق، ص ۱۵۵۳.

تفاوتی نیز وجود دارد، برای نمونه، در یهودیت و مسیحیت، بین رحلت پیامبر اولوا العزم و روی آوردن پیروان آنها به زیارتگاه یا عبادتگاه ساختن از مقبره رجال دینی، فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ یهودیان زمانی به این جلوه فرهنگی روی آورده‌اند که از اقامتگاه اصلی خود کوچ کرده و با دیگر فرهنگ‌ها در ارتباط قرار گرفتند. درباره مسیحیان می‌توان انگیزه‌ها و دلایل متعددی را مطرح کرد، با این حال، به نظر می‌رسد به مرور زمان کوشش برای کاستن از اهمیت معبد اورشلیم یکی از مهم‌ترین اهداف آنان در ساخت بنا بر قبور بوده است. اما در دین اسلام، شواهد زیارت قبور و بنای سازه‌های عبادی در اطراف آنها به دوران خود پیامبر(ص) باز می‌گردد. حتی فرمانی که مبنی بر نهی از زیارت قبور به پیامبر(ص) منسوب است، از سوی خود ایشان لغو شده است، گویی دلیل نهی پیشین، چیزی جز مبارزه با زمینه فکری موجود در رفتارهای پیشااسلامی از جمله برخی جلوه‌های فرهنگی یهودیت، مسیحیت و جاهلیت نیست.

۷۴

پروشمنامه ادیان

سال شانزدهم، شماره سی و دو، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

فهرست منابع

۷۵
پروژه شماره ادیان

بررسی تطبیقی آداب تدفین و بنای بر قبور مردگان در ادیان ابراهیمی

- * قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- آلوسی، روح المعانی، تحقیق، علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن ابی حاتم، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق، اسعد محمد طیب، عربستان: مکتبه نزار مصطفی الباز، ۱۴۱۹ق.
- ابن ابی شیبہ، المسند، محقق: عزازی و مزیدی، ریاض: دارالوطن، ۱۹۹۷م.
- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، محقق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- ابن جبیر، رحله ابن جبیر، بیروت: دار بیروت للطباعة والنشر، بی تا.
- ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، بیروت: دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق.
- ابن رجب، فتح الباری، تحقیق، محمود عبدالمقصود، مدینه: مکتبه الغربی الاثریة، ۱۴۱۷ق.
- ابن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق، احسان عباس، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۸م.
- ابن شبه، تاریخ المدینة، تحقیق، فهیم محمد شلتوت، جدة: السید حبیب محمود احمد، ۱۳۹۹ق.
- ابن عبد الوهاب، الرسائل الشخصية، محقق: صالح بن فوزان و محمد عیسی، ریاض: جامعه الامام محمد بن سعود، بی تا.
- ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن کلیبی، هشام، الأضنام، محقق: احمد زکی باشا، قاهره: دارالکتب المصریة، ۲۰۰۰م.
- ابن ماجه، السنن، تحقیق، محمد فؤاد عبدالباقی، قاهره، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۲ق.
- ابو عوانه، المستخرج، تحقیق، ایمن بن عارف، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۹ق.
- احمد بن حنبل، المسند، تحقیق، شعیب الأرئووط، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۱ق.
- اخوان مقدم و زیدی جودکی، «تحلیل پیشنهاد ساخت «بنا» و «مسجد» بر اصحاب کهف از دیدگاه فریقین»، آموزه های قرآنی، ش ۳۳، ۱۴۰۰ش، صص ۱۸۹-۲۱۴.
- ازهری، تهذیب اللغة، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ق.

- بخاری، الصحيح، بیروت، دارطوق النجاة، ۱۴۲۲ق.
- برو، توفیق، تاریخ العرب القديم، بیروت: دارالفکر، ۲۰۰۷م.
- بزار، ابوبکر، المسند، تحقیق، محفوظ زین الله، مدینه: مکتبه العلوم والحکم، ۱۹۹۸م.
- بلاذری، أنساب الأشراف، تحقیق، زکار و زرکلی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۷ق.
- بهرامی و مهدوی منش، «خاک سپاری»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی،
<https://cgie.org.ir/fa/article/۲۳۶۷۶۴> (دسترسی: ۱۴۰۰/۵/۱۸).
- بیضاوی، انوار التنزیل، تحقیق، محمد مرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
- ترمذی، السنن، تحقیق، احمد محمد شاکر، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي، ۱۳۹۵ق.
- جاحظ، الحيوان، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- جاحظ، المحاسن والأضداد، بیروت: دار ومکتبه الهلال، ۱۴۲۳ق.
- جوهری، الصحاح، تحقیق، احمد عبدالغفور عطار، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۳۷۶ق.
- حسن، حسین حاج، حضارة العرب في عصر الجاهلية، بیروت: المؤسسة الجامعية، ۱۴۲۶ق.
- زمخشری، الکشاف، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۷ق.
- زمخشری، ربيع الأبرار ونصوص الأخيار، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۴۱۲ق.
- سبحانی، جعفر، بحوث فی الملل والنحل، قم: مؤسسه النشر الإسلامی ومؤسسه الإمام
 الصادق(ع)، ۱۴۱۴ق.
- شاه پسند، الهه و فاطمه حسین زاده جعفری، «تاریخ گذاری اخبار نهی از بنای مسجد بر قبور»،
 مطالعات قرآن و حدیث، ش ۲۹، ۱۴۰۰ش، صص ۱۳۷-۱۶۷.
- شکری، محمود، بلوغ الارباب، مصر: المطبعة الرحمانية، ۱۹۲۴م.
- شیخو، لويس، النصرانية و آدابها، بیروت: منشورات دارالمشرق، ۱۹۸۹م.
- صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، محقق: حبيب الرحمن أعظمی، بیروت: المکتب الاسلامی،
 ۱۴۰۳ق.
- طاهری آکردی، یهودیت، قم: ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۰ش.
- طبرسی، مجمع البیان، مصحح: یزدی طباطبائی و رسولی، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.

- طبری، محمدبن جریر، جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، التبیان، مصحح: احمدحبيب عاملى، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۹ق.
- طوسی، تهذیب الاحکام، محقق: حسن خراسان، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
- عباس، احسان، شرح دیوان لیبید بن ربیعہ، التراث العربی، کویت، ۱۹۶۲م.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب، بیروت، دارالساقی، ۱۴۲۲ق.
- عینی، بدرالدین، عمدة القاری، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۳۴۸ق.
- فخررازی، التفسیر الکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- قسطلانی، ارشاد الساری، مصر: مطبعة الکبری الامیریة، ۱۳۲۳ق.
- کلینی، الکافی، قم: دارالحديث، ۱۴۲۹ق.
- مجذوب، اصحاب كهف در تورات، انجیل، قرآن، مترجم: محمدصادق عارف، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- نوری، یحیی، اسلام و عقائد و آراء بشری یا جاهلیت و اسلام، تهران: مدرسه الشهداء، ۱۳۶۰ش.
- ولیبی کلاپرمن، ژیلبرت، تاریخ قوم یهود، تهران: انجمن فرهنگی اوتصرهتورا گنج دانش ایران، ۱۳۴۷ش.
- هلی، هنری، راهنمای کتاب مقدس، ترجمه باباخانیان، انتشارات آرک، ۲۰۰۰م.
- همدانی، محمدعلی، الوهابیون والیبوت المرفوعة، دمشق: دارالأحباب، ۲۰۰۱م.
- Augustine of Hippo, *City of God*, Documenta Catholica, 2006.
- Bitton-Ashkelony, Brouria, *Encountering the Sacred: The Debate on Christian Pilgrimage in Late Antiquity*, University of California Press, 2005.
- Deferrari, R. J, *Του Εν Αγιοις Πατρος Ημων Βασιλειου Επιστολαι*, LCL, London, 1982.
- *Greek New Testament* , Brook F. Westcott and Fenton J. A. Hort, 1881.
- Ioannides, Mara W. Cohen and Dimitri Ioannides, "Global Jewish tourism", *Religion and Spiritual Journeys*, Routledge, 2006.
- Jacobs, Joseph, Krauss, Samuel, "Tombs", *Jewish Encyclopedia*, Ed.Isidore

- Singer, New York: Funk&Wagnalls, 1906.
- _ Leemans, Johan, “Style and Meaning in Gregory of Nyssa’s Panegyrics on Martyrs”, *Ephemerides Theologicae Lovanienses*, 81/1, 2005.
- _ Raphael Patai & Haya Bar-Itzhak, *Encyclopedia of Jewish folklore and traditions*, Routledge, 2012.
- _ Raphael, Simcha Paul, *Jewish views of the afterlife*, Rowman & Littlefield Publishers, 2009.
- _ Reynolds, Gabriel Said, *The Qurʾān and the Bible*, New Haven and London: Yale University, 2018.
- _ Schaff, Philip, *Basil: Letters and Select Works*, Grand Rapids, Christian Classics Ethereal Library, 1894.
- _ Schaff, Philip, *Gregory of Nyssa: Dogmatic Treatises*, Grand Rapids, Christian Classics Ethereal Library, 1892.
- _ Schaff, Philip, *Jerome: The Principal Works of St. Jerome*, New York: Christian Literature Publishing Co, 1892.
- _ Sozomen, *The Ecclesiastical History*. Trans. C. D. Hartranft in *The Nicene and Post-Nicene Fathers*, series2. Ed. P. Schaff and H. Wace. Grand Rapids, MI: Eerdmans Publishing Co., 1978.
- _ *The Septuagint with Apocrypha*, Samuel Bagster & Sons, Ltd., London, 1851.
- _ Yeivin, Ze’ev, “Tombs and Tombstones”, *Encyclopaedia Judaica*, Macmillan, 2007.
- _ Ιώσηπος Φλάβιος, *η Ίουδαϊκή ἀρχαιολογία*, Ed. Benedikt Niese, Berlin, 1885-1895.